

پاستورنشین رو به آینده

هرگاه وفاق باشد، گذار ممکن می شود



امیرحسین خداپرست

[استاد فلسفه و عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران]

بوده، جامعه با انسداد، نارضایتی و بحران های متوالی مواجه شده است. تجربه انقلاب مشروطه نمونه ای روشن است. آنگاه که روشنفکران، روحانیان و بازرگانان توانستند بر سر «اصولی مشترک» گرد آیند، امکان ایجاد یک ساختار سیاسی مدرن فراهم شد؛ اگرچه این دستاورد کوتاه مدت بود. دولت ملی دکتر محمد مصدق نیز با اتکا به وفاق نسبی میان گروه های سیاسی و اجتماعی توانست برای مدتی کوتاه استقلال سیاسی کشور را تثبیت کند اما با فروپاشی این وفاق، مسیر بازگشت به بحران و سرکوبی هموار شد.

● «وفاق ملی» نه انتخاب، بلکه ضرورتی برای بقا و ثبات جامعه است

این تجربه ها به وضوح نشان می دهند که «وفاق ملی» نه انتخاب، بلکه ضرورتی برای بقا و ثبات جامعه است. بی توجهی به وفاق ملی، آینده ای پرمخاطره به دنبال خواهد داشت. شکاف میان دولت و ملت، احساس تبعیض و نادیده گرفته شدن حقوق و سهم گروه های اجتماعی مختلف، می تواند دیر یا زود به نارضایتی های اجتماعی منجر شود. نمونه های تاریخی داخلی نیز این هشدار را تأیید می کنند: تجربه سال های پس از جنگ ایران و عراق نشان داد که فقدان گفت و گوی ملی، هرگونه تلاش برای بازسازی را کند و ناکافی می سازد. در چنین شرایطی، بدون وفاق ملی هر بحران اقتصادی یا اجتماعی می تواند به بحرانی بزرگتر و غیرقابل مهار تبدیل شود.

● شش ستون وفاق ملی

از منظر داخلی، وفاق ملی ابعادی چندگانه دارد که هرکدام در شکل گیری پایداری سیاسی و اجتماعی مؤثر است:

۱. به رسمیت شناختن تکثر جامعه ایرانی

اول، به رسمیت شناختن تکثر جامعه ایرانی است. ایران کشوری متنوع با اقوام، مذاهب و گرایش های فکری متعدد است. هرگاه این تکثر فرصت تلقی شود، نه تهدید، امکان شکل گیری گفت و گو و همبستگی اجتماعی افزایش می یابد. جوامع متکثر تنها زمانی می توانند به توسعه و ثبات پایدار دست یابند که نهادها و سیاست ها تنوع فکری، فرهنگی و اجتماعی را به رسمیت بشناسند.

۲. بازسازی اعتماد عمومی از طریق شفافیت و پاسخگویی

بعد دوم، بازسازی اعتماد عمومی است. اعتماد، سرمایه ای اجتماعی است که از دست رفتن آن هزینه ای جبران ناپذیر دارد. در ایران امروز کاهش اعتماد میان دولت و ملت در قالب شکاف های اقتصادی، فساد، تبعیض و

رهایی از بحران ها بدون
«گفت و گوی فراگیر ملی» و
«پذیرش تکثر» غیرممکن
است. فقدان وفاق داخلی
نه تنها جامعه را با بحران
روبه روی می سازد بلکه
توان دولت را در مواجهه
با فشارهای خارجی نیز
کاهش می دهد

دولت پزشکیان در آستانه دومین سال فعالیت خود با شرایطی تاریخی و چالش برانگیز روبه روست. جامعه ایران طی سال های اخیر با بحران هایی درهم تنیده دست به گریبان بوده است؛ بحران های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که هرکدام را به تنهایی دشوار بتوان مدیریت کرد و حالا در ترکیب با یکدیگر ابعاد پیچیده تری نیز یافته اند. کاهش آشکار سرمایه اجتماعی (که خود را به وضوح در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نشان داد)، فاصله نسبی گسترده، کاهش ملموس اعتماد به نهادهای رسمی و گسست میان گروه های اجتماعی، همگی نشان می دهد که مسیر توسعه و ثبات فقط با شعارها و اقدامات مقطعی قابل پیمودن نیست و ضرورت دارد سیاست های کلان، فراگیر و واقع گرایانه ای بر محور وفاق ملی طراحی و فهم شود. این ضرورت فقط شعاری سیاسی نیست که برای دلخوشی افکار عمومی سر داده شود، بلکه نتیجه تجربه تاریخی و تحولات اجتماعی است که نشان داده هرگاه ایران در بحران های کلان به «وفاق ملی» نزدیک شده، امکان گذار به شرایط پایدار فراهم شده است و هرگاه انحصار و حذف حاکم



اگر
پزشکیان
نبود



برند کلی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویرانه نامه

